



یادداشت

حسن بهشتی پور

تصویری روشن از پیچیدگی‌های روابط ایران با آمریکا و آژانس

روابط پرتنش ایران با آمریکا، تروئیکای اروپایی و بلاتکلیفی در مورد چارچوب روابط با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در یکی از حساس‌ترین مقاطع خود قرار دارد. در این یادداشت هدفم ارائه تصویری روشن از پیچیدگی‌های این مناسبات است؛ تصویری که نشان می‌دهد «مذاکره» به‌رغم بار مثبت دیپلماتیک خود، در میدان واقعیت سیاسی به عرصه‌ای از رقابت قدرت‌ و مشروعیت بدل شده است.

۱-مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم؟

تعارض موجود در روند گفت‌وگوهای ایران و آمریکا بسیار قابل توجه است. از یک سو هر دو طرف از ضرورت مذاکره سخن می‌گویند تا چهره‌ای معقول و گفت‌وگومحور در عرصه بین‌المللی ارائه کنند و از سوی دیگر، هیچ‌یک حاضر نیستند از مواضع حداکثری خود کوتاه بیایند. دولت ترامپ در ادامه مواضع غیرمنطقی خواستار اجرای سه مطالبه مشخص از ایران است؛ توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم، محدودسازی توان موشکی ایران به زیر ۵۰۰ کیلومتر و قطع حمایت ایران از گروه‌های مقاومت منطقه‌ای. این رویکرد به معنای تحمیل «نتیجه» از پیش تعیین شده» است، نه مذاکره واقعی. ایران نیز با آگاهی از چنین پیش‌شرط‌هایی، مذاکره مستقیم را فاقد معنا می‌داند.
باین حال، از منظر سیاست خارجی، اعلام آمادگی برای مذاکره نوعی موضع‌گیری تدافعی – هوشمندانه تلقی می‌شود؛ زیرا طرفی که از مذاکره سر باز زند، در فضای افکار عمومی جهانی به‌عنوان عامل تشدید بحران شناخته می‌شود.

۲- ژنالیسم تهاجمی و منطق شروط متقابل

موضع اخیر حضرت آیت‌الله‌المظلمی خامنه‌ای در دیدار دانشجویان در دوازدهم آبان را می‌توان در چارچوب نظریه «ژنالیسم تهاجمی» تحلیل کرد. بر اساس این منطق، هنگامی که یک طرف شروطی تحمیلی را پیشنهاد می‌کند، طرف مقابل برای حفظ موازنه قدرت، شرایطی متقابل و غیر قابل تحقق را مطرح می‌کند تا از یک سو در مذاکره، راه‌ب‌طور نمادین ننیندد و از سوی دیگر نشان دهد تسلیم فشار نخواهد شد. سخنان رهبر معظم انقلاب دقیقاً بر همین مبنا قابل فهم است؛ آمریکا برای آغاز مذاکره باید سه شرط ایران را بپذیرد؛ کنار گذاشتن حمایت از اسرائیل، خروج از پایگاه‌های نظامی در غرب آسیا و پایان دادن به مداخلات منطقه‌ای. این شروط نه‌برای اجرا، بلکه برای بازتعریف توازن نمادین قدرت در گفتمان دیپلماتیک مطرح شده‌اند. در چنین چارچوبی، «مذاکره مستقیم» تنها زمانی قابل اجراست که دو طرف حاضر باشند رویکرد خود را تغییر دهند. بنابراین تا زمانی که این شرایط تغییر نکنند، تیراهای مدیریت ادراک جهانی و کاهش فشار دیپلماتیک، بر انجام مذاکرات تأکید می‌شود. ولی روشن نیست این نوع موضع‌گیری چه فایده‌ای دارد.

۳- ضرورت تلاش برای رفع مشکلات حقوقی با آژانس

در این میان وضعیت بلاتکلیفی حاکم بر روابط میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شرایط را سخت‌تر می‌کند، زیرا یکی از خلأهای حقوقی جدی در نظام پادمانی این است که هیچ بند مشخصی برای تعلیق اجرای تعهدات پادمانی در شرایط تهدید یا حمله نظامی پیش‌بینی نشده است. ایران استدلال می‌کند چون تأسیسات تحت نظارت آژانس هدف حمله آمریکا و اسرائیل قرار گرفته‌اند، ادامه بازرسی‌ها در همان چارچوب سابق منطقی نیست. اما از دید آژانس، این اقدام فاقد مبنای حقوقی در ان بی‌تی است. اینجاشکافی آشکار میان منطق اخلاقی و انسانی با منطق حقوقی وفنی به چشم می‌خورد. در حالی که از نظر اخلاقی حق با ایران است، اما اساسنامه آژانس چنین استثنایی را نمی‌پذیرد.

۴- دوران پساقطعنامه ۲۳۳۱ و آزمون گروسی

با توجه به پایان اعتبار ۱۰ ساله قطعنامه ۲۳۳۱، گزارش آتی رافائل گروسی به شورای حکام، نخستین گزارشی خواهد بود که صرفاً در چارچوب ان بی‌تی تنظیم می‌شود. اهمیت گزارش آتی گروسی از آن رو است که می‌تواند جهت‌گیری آینده روابط تهران و آژانس را تعیین کند.
باین حال، حملات نظامی غیرقانونی آمریکا به سایت‌های هسته‌ای نطنز، فردو و سفهان، امکان بازرسی دقیق و ارائه گزارش کامل را از بین برده است. در نتیجه، گروسی در موقعیتی دوگانه قرار دارد: او باید گزارشی ارائه دهد که فاقد داده‌های میدانی دقیق است، اما از نظر سیاسی، زیر فشار شدید غرب برای ارائه گزارشی انتقادی قرار دارد.

۵- آژانس، بهانه یا بازیگر؟

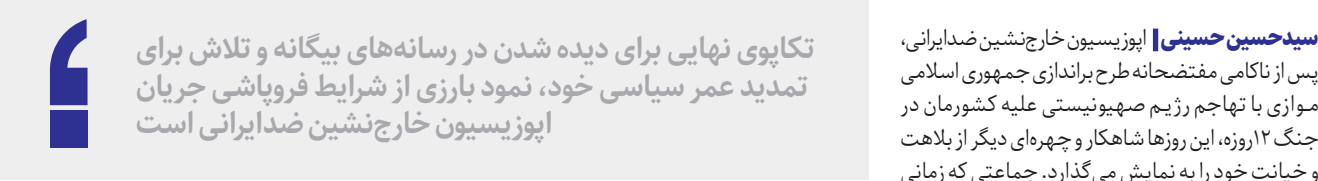
این تصور که گزارش‌های آژانس علت حملات نظامی آمریکا و اسرائیل بوده‌اند، با قرائن و شواهد موجود منطق نیست زیرا بر اساس گزارش منابع معتبر خبری و اطلاعاتی، این حملات دست‌کم یک تا دو سال پیش از گزارش اخیر برنامه‌ریزی شده بودند و صرفاً از گزارش‌های منفی آژانس به عنوان بهانه و پوشش تبلیغاتی استفاده شده است.

در نتیجه، نقش آژانس در این میان نه به عنوان بازیگر مستقل، بلکه به‌مثابه ابزار مشروعیت‌بخشی سیاسی برای اقدام‌های یک‌جانبه غرب تفسیر می‌شود. با این حال، ادامه این وضعیت می‌تواند به فشار سیاسی بیشتر بر ایران در نظام فنی و نظارتی بین‌المللی منجر شود؛ از این رو ضرورت دارد تهران با آژانس به تفاهمی جدید درباره نحوه بازرسی از سایت‌های فعال دست‌یابد.

در نهایت باید گفت ریشه بحران روابط ایران با آمریکا و تروئیکانه در تاکتیک‌های دیپلماتیک، بلکه در شکاف بنیادین میان نگرش و بینش مسئولان ایرانی با مسئولان غرب نهفته است. آمریکا با رویکردی تحمیلی و ایران با منطق بازدارندگی متقابل به میدان آمده‌اند. مذاکره در چنین فضایی نه به حل بحران، بلکه صرفاً به حفظ ظاهر گفت‌وگو کمک می‌کند. در سطح فنی نیز، تا زمانی که چارچوب پادمان هسته‌ای با بازیگری نشده و امکان تعلیق نظارت در شرایط تهدید نظامی به رسمیت شناخته نشود، اختلاف ایران و آژانس تداوم خواهد داشت. در نهایت، گفت‌وگوی واقعی زمانی ممکن است که هر دو طرف از موضع قدرت، اما با پذیرش واقعیت‌های متقابل وارد شوند، نه آنکه یکی مذاکره را به ابزار فشار و دیگری به سپر دفاعی بدل کند.

گفت‌وگو با کارشناسان در تحلیل تکاپوهای اخیر براندازان، از تلاش برای دیده‌شدن در رسانه‌های معاند تا دعوت به همکاری با کشورهای خارجی متجاوز

بوسیدن چکمه دشمن



سیدحسین حسینی | اپوزیسیون خارج‌نشین ضد ایرانی، پس از ناکامی مفتضحانه طرح براندازی جمهوری اسلامی موازی با تهاجم رژیم صهیونیستی علیه کشورمان در جنگ ۱۲ روزه، این روزها شاهکار و چهره‌ای دیگر از بلاهت و خیانت خود را به نمایش می‌گذارد. جماعتی که زمانی در پوشش منتقد دلسوز برای خزیدن در دل مردم درون «اسب تروا» ای حمایت از ملت ایران کمین کرده بودند، امروز سوار بر اسب حماقت خود تاخته و بی‌برده از تحمیل هزینّه و دخالت خارجی بر ایران سخن می‌گویند و با هر اظهار نظر، فاصله خود را از مردم و منافع ملی آشکارتر می‌کنند. نمونه بارز این فروپاشی اخلاقی را باید در سخنان مسیح علی‌نژاد دید. این عروسک خیمه شب بازی، در بازی‌های کثیف دنیای غرب اخیراً در اظهاراتی بی‌پروا، مخالفان جمهوری اسلامی را به درس گرفتن از اپوزیسیون و نزوتلا توصیه می‌کند؛ وی در گفت‌وگو با خبرنگار شبکه صهیونیستی ایران اینترنشنال می‌گوید: «و نزوتلا متحدترین اپوزیسیون را دارد و حتی استقبال می‌کند از دولت آمریکا که عملیات نظامی انجام بدهد و مادورو را بردارد. از کشورهای دیگر می‌توانیم یاد بگیریم که مردم با دست خالی پیروز نمی‌شوند؛ اگر اپوزیسیون متحد نداشته باشند و اگر اپوزیسیون‌نشان نگران این باشد که مبادا با کشور خارجی همکاری بکنند به جایی نمی‌رسیم».



یادداشت

مجتبی خاتونی

کمی خلاقیت و تلاش بیشتری داشته باشید!

در حالی که دیروز انتشار نامه‌ای در فضای مجازی درباره درخواست رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و معاون رئیس جمهور برای انجام سفر کاری به برزیل و درخواست ۵۰ میلیارد تومان از سازمان برنامه و بودجه به این منظور حاشیه‌ساز شده بود، این نهاد اعلام کرد به درخواست‌ها بر اساس قانون پاسخ می‌دهد و هر درخواستی را لزوماً آجابت نمی‌کند.

روز گذشته نامه‌ای در فضای مجازی منتشر شد که در آن، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست برای شرکت در اجلاس آب و هوایی برزیل، مبلغ ۵۰ میلیارد تومان درخواست کرده بود. در این زمینه امیرحسین نائبی، نماینده مجلس نیز در صحن مجلس اظهارات تندى مطرح کرد. وی در تذکری خطاب به شینا انصاری، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان گفت: چه خبر است که برای یک سفر به برزیل و اجلاسی که شاید ضرورت زیادی هم نداشته باشد، درخواست ۵۰ میلیارد تومان می‌دهید، مگر می‌خواهی برزیل را بخیزی؟

سازمان برنامه و بودجه اما در واکنش به حاشیه‌های این موضوع در گفت‌وگو با خبرنگار فارس اعلام کرده هر کسی می‌تواند هر درخواستی بدهد، همان گونه که در سفرهای استانی نیز درخواست‌های زیادی برای بودجه

فعالیت و پاورسرای‌های ایشان شایسته‌توجه رسانه‌ها نیست و نباید به این نمایش‌ها میدان داده شود؛ همه می‌دانند که ارتزاق بسیاری از این جریان‌ها از تسهیلات و پول‌هایی است که آمریکا و رژیم صهیونیست به آن‌ها می‌رسانند. کنعانی مقدم با بازخوانی تجربه تاریخی گروه‌هایی همچون منافقین در دوره صدام هشدار داد ریشه‌ها و نطفه‌های همان جریان در میان برخی عناصر اپوزیسیون خارج‌نشین مشاهده می‌شود و تصریح کرد: سابقه همکاری و اقدام‌های ضدملی این طیف باید به‌صورت مستند افشا و به‌صراحت محکوم شود. این جماعت به‌طور مستمر علیه منافع ملی عمل می‌کنند و از قدرت‌های بیگانه می‌خواهند ایران را تحت فشار قرار داده یا کشور را به‌سوی تنش سوق دهند. این تحلیلگر سیاسی در پاسخ به پرسش قدس درباره آینده اپوزیسیون با توجه به این رویه خیانت‌آمیز که در پیش گرفته‌اند، وضعیت روانی و رفتاری برخی از چهره‌ها را مورد توجه قرار داد و گفت: با بررسی کارنامه و شخصیت این افراد، بخشی از آن‌ها را باید از نظر روانی مورد مرقه قرار داد؛ بعضی رفتارها و اظهارات

اصلی اینجاست که چرا ایشان سعی دارد «منشور کوروش» را در مقابل یک روایت باشکوه از پیروزی ایران مطرح کند؟ ایشان اشاره به شکست دشمن سنتی تمدن ایرانی و زانو زدن «طرف غربی داستان» را از نقطه نظر «اخلاق ملی» نقد می‌کند بدون آنکه توضیحی راجع به مفهوم عجیبی با عنوان «اخلاق ملی» ارائه کند. ایشان نگاره مذکور را نشانه «غرور و تکبر ناپسند» و «بی‌ظرفیتی» می‌خواند و احتمالاً انتظار دارد، شاپور اول ساسانی، امپراتور مورد علاقه ایشان را در آغوش کشیده و بگوید: «همه چی تموم شد عزیزم، بیا از اول شروع کنیم!».

سازمان برنامه همچنین اعلام کرد، در مورد سفر خانم انصاری احتمالاً به حداکثر ۱۰ هزار دلار نیاز خواهد بود که شامل پول بلیت هواپیما، هتل و تعداد مقصدهایی که باید طی کند، محاسبه می‌شود و همچنین تعداد افرادی که همراه معاون رئیس جمهور باید بروند بر اساس ضوابط و جدول قانونی خواهد بود. این سازمان همچنین تأکید کرد، آلا هر درخواستی را ما به‌صورت کامل پاسخ نمی‌دهیم، ثانیاً آنچه پرداخت می‌شود بر اساس قانون است، اگر یک ریال خارج از ضوابط قانونی پرداخت کنیم، هم دیوان محاسبات کشور و هم سازمان بازرسی کشور آن را بررسی می‌کند و باید پاسخ بدهیم، بنابراین پرداختی‌های سازمان به‌ویژه در مورد سفرهای خارجی بر اساس مقرات و مقرات و طبق جدول پرداخت‌ها خواهد بود.

حاکم از وضعیت روحی و روانی نامتعادل است؛ تکاپوی نهایی برای دیده شدن در رسانه‌های بیگانه و تلاش برای تمدید عمر سیاسی خود، نمود بارزی از شرایط فروپاشی این جریان است. وی با یادآوری مرگ تدریجی نفوذ و اعتبار اپوزیسیون در تبعید افزود: آنچه اکنون مشاهده می‌کنیم آخرین نفس‌های این گروه برای جلب توجه است؛ مرگی تدریجی که لازم است افکار عمومی و رسانه‌ها آن را به‌درستی بازتاب دهند تا پرده‌های اغوا و نفوذ بیگانه بر ملا شود. در انتها، کنعانی مقدم با الحنی طعنه‌آمیز پیشنهاد کرد افکار عمومی باید نسبت به این جریان واکنشینه شود و ادامه داد: شاید بهتر باشد رسانه‌ها و مردم مواجهه‌ای نمادین با این جریان داشته باشند و شأن و جایگاه واقعی آن‌ها را نشان دهند؛ نه اینکه با برجسته‌سازی، به آن‌ها مشروعیت ببخشیم.

■ دست و پا زدن در بن‌بست

دکتر سیدمحمد تقی آقایان، کارشناس مسائل راهبردی و بین‌الملل هم با نگاهی تحلیلی به فعالیت‌های اخیر اپوزیسیون خارج‌نشین، پروژه‌های شکست خورده این جریان را یادآور شد و گفت: پس از شکست پروژه‌های آن‌ها در جنگ ۱۲ روزه و پیش از آن دیدارهای رضا پهلوی با نتانیاهو و برخی اعضای کنست، تلاش‌هایشان برای ایجاد اختلال در کشور و تحریک مردم به نتیجه نرسید و بار دیگر به بن‌بست خورد.

وی با اشاره به نقش شبکه‌های اپوزیسیون در خارج از کشور ادامه داد: این جریان همچنان تلاش می‌کند مردم را تحریک کند، از آمریکا و رژیم صهیونیستی بودجه طلب کند و با وعده‌های رسانه‌ای به دنبال جلب حمایت مالی باشد، اما تجربه نشان داده این پروژه‌ها ناکام مانده است. این تحلیلگر سیاسی با تأکید بر وفاداری مردم به ولایت و رهبری جمهوری اسلامی ایران، تصریح کرد: در طول سال‌ها، به خصوص از فتنه ۸۸ تاکنون، هر گونه تلاش اپوزیسیون برای بر هم زدن آرامش داخلی شکست خورده است؛ مردم پای ولایت و شهدا ایستادند و حتی در شرایط اقتصادی سخت، هوشیاری خود را حفظ کرده‌اند. آقایان در بخش دیگری از تحلیل خود به ضعف‌های داخلی کشور اشاره و عنوان کرد: گاهی ضربه‌های داخلی از مشکلاتی مانند قحطی آب، نوسان‌های طلا و دلار و مسائل کارت سوخت، بیش از حملات دشمن خارجی به کشور آسیب می‌زند. ما از بعد نظامی و امنیتی توان مدیریت داریم، اما خودمان باید آسیب‌های داخلی را برطرف کنیم تا دشمن موفق نشود.

این کارشناس مسائل راهبردی درباره آینده اپوزیسیون خارج‌نشین تصریح کرد: آینده این افراد مشخص است؛ رضا پهلوی، مسیح علی‌نژاد و سایر چهره‌های اپوزیسیون دیگر قادر به تأثیرگذاری نیستند. مردم در داخل کشور چهره واقعی آن‌ها را شناختند و استقبال از شبکه‌ها و فعالیت‌هایشان کاهش یافته است. این افراد اکنون مانند گربه‌ای هستند که در چاله افتاده و فقط دست و پا می‌زنند؛ پروژه‌هایشان بازپچه دست دشمنان خارجی شده و هیچ آینده‌ای برای آن‌ها متصور نیست. وی خاطرنشان کرد: نباید به این جریان‌ها میدان داد؛ مردم اهل سیاست و تشخیص هستند و هر گونه تلاش برای برجسته‌سازی این افراد به شکست منجر خواهد شد.

زیدآبادی که گویا خود از سست و بی‌پایه بودن مدعیاتش تا اینجای کار، آگاه است، با «بافتن آسمان به ریسمان»، به موضوع محرومیت پایتخت‌نشینان از هوای پاک و آب می‌پردازد و نصب مجسمه را نشانه «کژفهمی بنیادین از امر حکمرانی» می‌داند؛ در این باره هم افزود هر کلمه و عبارتی از غلظت طنز ماچرا می‌کاهد. آنکه نمی‌داند حماسه چیست و اسطوره کیست، شاید بتواند آلودگی هوا و منشور کوروش را به هم ربط داده و پیروزی ملتش برابر دشمن دیرین را «تقیح» کند اما از آقای زیدآبادی در پیگیری اهدافش کمی خلاقیت و تلاش بیشتری انتظار داریم!

قوه‌قضائیه

حمله به غیرنظامیان و مراکز درمانی؛ گواه حقوق بشر غربی!

مداران باردار بودند، ده‌ها کودک و نوجوان و ۱۴ تن از نخبگان علمی به‌شهادت رسیدند و بیش از ۵ هزار و ۶۰۰ نفر مصدوم و مجروح شدند که عمدتاً شهروندان غیرنظامی از جمله زنان و کودکان، سالمندان، معلولان، کادر درمانی و بهداشتی و... هستند و این جنایت‌ها با سلاح‌ها و عاملیت مستقیم آمریکا و رژیم صهیونیستی انجام شد، اضافه کرد: در این تجاوزها هفت بیمارستان و مرکز درمانی، ۶ پایگاه اورژانس، چهار واحد بهداشتی و بیش از ۱۰ دستگاه آمبولانس مورد حمله قرار گرفت. وی در حمله وحشیانه به زندان اوین که مصداق آشکار جنایت جنگی است ۸۰ شهروند ایرانی که در میان آن‌ها از جمله زندانیان، کارکنان اداری، سربازان وظیفه، خانواده‌های زندانیان و حتی همسایگان زندان حضور داشتند، به‌شهادت رسیدند. وی در حاشیه این نشست در پاسخ به پرسش قدس در خصوص تبادل دو جاسوس فرانسوی با خاتم مهدیه اسفندیاری، استاد ایرانی دانشگاه در شهر لیون فرانسه که توسط پلیس این کشور به دلیل انتشار اخبار جنایت‌های جنگی رژیم صهیونیستی در غزه بازداشت و متهم به حمایت از تروریسم (مردم فلسطین) شده، گفت: تصمیم در این زمینه با شورای عالی امنیت ملی است و هر آنچه مقامات عالی نظام و شورای عالی امنیت ملی تصمیم بگیرند دستگاه قضا از آن تبعیت خواهد کرد.